



موانع اجرای مطلوب برن مشاوره در ایران

محمد زاتری

ضرورت راهنمایی و مشاوره

در جامعه‌های سنتی به دلیل محدودیت اطلاعات و گزینه‌ها، «انتخاب» ساده‌تر است و فرد به راحتی می‌تواند تصمیم بگیرد. اما همین انتخاب، امروزه با پیشرفت فناوری و تحول جامعه به وضعیت پیچیده‌ی ماشینی و با توجه به گستردگی و وسعت اطلاعات و تعدد و تنوع گزینه‌ها، مشکل شده است. از آن جمله، کثرت مشاغل است و باید افراد را به توجه به استعدادها و علاقه‌هایشان، برای پاسخگویی به نیازهای شغلی تربیت کرد. این خود موجب تنوع رشته‌های تحصیلی در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها و گسترش آموزش‌های حرفه‌ای شده است. در چنین شرایطی، دانش‌آموزان برای تصمیم‌گیری مناسب، مانند انتخاب رشته‌ی تحصیلی و یا انتخاب شغل، به دیگران نیاز دارند. به عبارت دیگر، راهنمایی و مشاوره جزو تفکیک‌ناپذیر زندگی انسان در جامعه‌ی امروز است.

همچنین، امروزه با پیشرفت فناوری و به وجود آمدن جامعه‌ی صنعتی، مشکلاتی نیز برای افراد، از جمله دانش‌آموزان، به ویژه در شهرهای بزرگ ایجاد شده است؛ مشکلاتی مانند: دگرگون شدن طبقات اجتماعی، گسستن بندهای اتکا و عواطف خانوادگی، اشتغال والدین در خارج از خانه و نداشتن فرصت کافی برای ایجاد روابط متقابل بین والدین و فرزندان، ناآگاهی والدین از مسائل فرزندان و شیوه‌های راهنمایی آنان. به همین دلیل، انتظار والدین و جامعه از مدرسه و نظام تعلیم و تربیت بالا رفته است. آن‌ها می‌خواهند مدرسه، پاره‌ای از مسؤلیت‌هایشان را با ارائه‌ی خدمات ویژه‌ای بر عهده بگیرد. این خواسته، همان نیاز به اجرای سیستم راهنمایی و مشاوره در مدرسه است.

از نگاهی دیگر، در مدرسه نیز: «هدف‌های آموزش و پرورش، زمانی عملی خواهد شد که دانش‌آموزان از نظر جسمی، ذهنی، روانی، اجتماعی و اخلاقی برای انجام دادن فعالیت‌های مربوط، آمادگی داشته باشند. اگر دانش‌آموزان دچار مشکلاتی شوند، رشد و یادگیری آنان مختل می‌شود و معلم به تنهایی، نه می‌تواند و نه فرصت دارد که به مشکلات آن‌ها رسیدگی کند. در این صورت، از طریق خدمات راهنمایی و مشاوره می‌توان مشکلات آنان و خانواده‌هایشان را برطرف کرد و در نهایت، بر یادگیری آنان و کارآمدی آموزش و پرورش افزود. همچنین، از طریق برنامه‌ی راهنمایی به دانش‌آموزان کمک می‌شود، تا علاوه بر شناخت استعدادها و توانایی‌ها، رغبت‌ها و محدودیت‌هایشان را بشناسد و با توجه به تفاوت‌های فردی، به یادگیری مطالب درسی پردازد.» [شفیع‌آبادی، ۱۳۷۹].

تاریخچه‌ی راهنمایی و مشاوره

راهنمایی به صورت اندرز دادن، نصیحت کردن و نظیر آن‌ها، در طول تاریخ تمدن بشر توسط پدر، مادر، پیشوایان مذهبی، عالمان، معلمان و بسیاری افراد دیگر انجام می‌گرفت و مشاوره نیز در میان روحانیان، پزشکان و یا حقوقدانان رواج داشته است. ولی راهنمایی و مشاوره‌ی تخصصی، از اوایل قرن بیستم و با صنعتی شدن کشورها، ابتدا به صورت

نامه‌ی راهنمایی

راهنمایی حرفه‌ای در سال ۱۹۰۸ توسط پارسنزا^۱ با روش علمی آغاز شد و به تدریج دامنه‌ی وسیع‌تری پیدا کرد؛ تا امروز که مسائل روانی، اجتماعی، تحصیلی و تربیتی را نیز شامل می‌شود. «این فکر که راهنمایی یکی از وظایف اصلی مدارس می‌باشد، با این که از چندی قبل از جنگ‌های بین‌الملل به وجود آمده بود، ولی پس از جنگ اول و به خصوص بعد از جنگ دوم جهانی، قوت گرفت و همه‌ی انواع راهنمایی اعم از حرفه‌ای، تحصیلی و شخصی را شامل گردید. امروز در اغلب کشورها، مدارس نیاز به مشاوران احساس و اهمیت مسأله‌ی راهنمایی را درک می‌نمایند.» [حسینی بیرجندی، ۱۳۷۱].

اصطلاح «راهنمایی تحصیلی» اولین بار توسط کلی^۲ در سال ۱۹۱۴ میلادی به کار رفت. در ایران نیز، راهنمایی تحصیلی در سال ۱۳۳۴ و با تأسیس دایره‌ی تحقیقات روان‌شناسی در آموزش و پرورش به وجود آمد. در سال ۱۳۴۶، دانشگاه تربیت معلم (دانش‌سرای عالی سابق) بنا به تقاضای آموزش و پرورش، به تربیت راهنما و مشاور تحصیلی در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد اقدام کرد. از مهرماه ۱۳۵۰، مشاوران این مدرسه‌های دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، کار خود را به طور رسمی آغاز کردند. این روند تا سال ۱۳۵۸ ادامه داشت. در سال تحصیلی ۵۹-۵۸، در وظایف مشاوران تجدیدنظر به عمل آمد: سیستم «معلم-مشاور» اجرا شد و از ۲۲ ساعت کار موظف مشاوران، ۱۲ ساعت به تدریس اختصاص یافت. در اواخر همین سال تصمیم گرفته شد، تا تهیه‌ی طرح‌های اولیه‌ی هماهنگ با هدف‌های انقلاب اسلامی، برنامه‌ی راهنمایی و مراکز راهنمایی و مشاوره حذف و تعطیل شوند. در سال تحصیلی ۶۰-۵۹، طرح تشکیل تربیت و اشتغال مربیان تربیتی، به منظور آشنایی دانش‌آموزان با اصول انقلاب اسلامی در مدرسه‌ها طرح‌ریزی و اجرا شد و اجرای برنامه‌های راهنمایی را نیز به آنان محول کردند.

در سال‌های بعد، به علت مشکلات و مسائل دانش‌آموزان، به تدریج به اجرای برنامه‌های راهنمایی و مشاوره احساس نیاز شد. بنابراین اداره‌ی کل امور تربیتی آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۴ به تشکیل هسته‌های مشاوره در مناطق آموزش و پرورش مبادرت ورزید. در سال تحصیلی ۶۷-۶۶، مجدداً دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی برای تربیت مشاور، دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره را تأسیس کردند. در مهرماه ۱۳۷۱، برنامه‌ی راهنمایی و مشاوره، در راستای تغییر نظام آموزشی در مدرسه‌های متوسطه‌ی کشور، با تأکید بر راهنمایی تحصیلی و شغلی آغاز شد و مشاوران، این بار در مدرسه‌های متوسطه فعالیت خود را آغاز کردند که تا به امروز نیز ادامه دارد. این برنامه، مستقل از برنامه‌های امور تربیتی در مدرسه‌ها طرح‌ریزی و طی بخشنامه‌ای، تمایز بین فعالیت‌های مشاوران و مربیان تربیتی به شرح زیر مشخص شده است:

مشاوره‌ی تربیتی (سازشی): عبارت از آن دسته فعالیت‌های مشاوره است که با حل مسائل و مشکلات روانی-عاطفی و شخصیتی دانش‌آموزان ارتباط دارد و هدف از آن، تأمین بهداشت روانی، تعادل روانی و سازگاری‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌های تربیتی (امور تربیتی): آن دسته فعالیت‌هایی است که با مسائل اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و ارزشی دانش‌آموزان ارتباط دارد و هدف از آن، پرورش فضائل اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی مطابق با هدف‌های عالی‌ی تعلیم و تربیت اسلامی در دانش‌آموزان است.

بررسی موانع اجرای سیستم راهنمایی و مشاوره در مدرسه‌ها

امروزه با ایجاد موج دوم مشاوره در مدرسه‌های کشور، این

مشاوره جریان یاری دهنده ای است که به
ارتباط خاص بین دو نفر نیاز دارد. یکی از
این دو نفر، یعنی مراجع، معمولاً با مشکل
روانی و عاطفی مواجه است و دیگری، یعنی
مشاور، در حل مشکل روانی مهارت دارد.

مقاله در مطبوعات و یا اجرای برنامه های مرتبط در صدا و سیما
و... به این آگاهی بیفزایند.

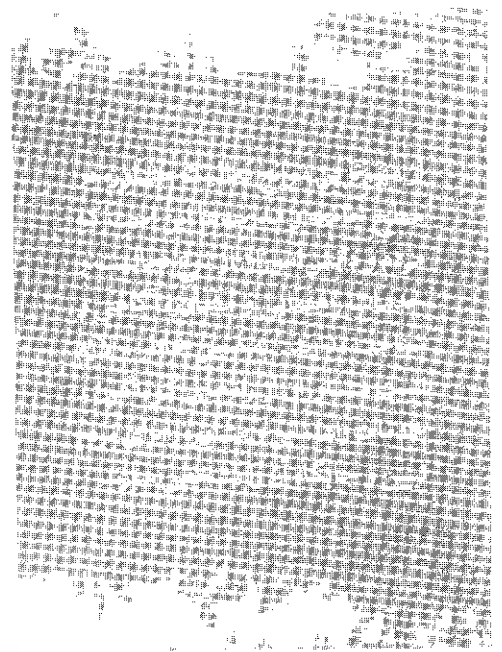
برخی از نگرش هایی که مانع بهره مندی مطلوب از خدمات
راهنمایی و مشاوره می شوند، عبارتند از:

۱. در نظر عده ای از مردم، این اعتقاد وجود دارد که نباید حرف
خود و خانواده را هیچ گاه و در هیچ شرایطی در بیرون خانه برای
کسی بازگو کرد و به اصطلاح باید «صورت را با سیلی سرخ نگه
داشت». آنان در این زمینه و برای برطرف کردن مشکلات، بین
افراد متخصص و غیرمتخصص تفاوتی قائل نیستند. این فکر از
کودکی به فرزندان القا می شود. بنابراین، دانش آموز در مدرسه نیز
زمینه ی فکری مناسب برای بازگو کردن مشکلات خود و یا راهنمایی
خواستن از مشاور مدرسه را ندارد. این امر باعث می شود، گاهی
دانش آموز در مسیر افراد ناصالحی قرار گیرد که به جز گمراهی
حاصل دیگری برای او ندارد. در چنین شرایطی باید توجه افراد را به
این نکته جلب کرد: همان طور که وقتی دچار سرماخوردگی
می شویم، سراغ پزشک می رویم و توصیه های وی را به کار
می گیریم و به توصیه ی افراد دیگر توجه نمی کنیم، یا همان طور که
برای پیدا کردن آدرس در خیابان از مأمور انتظامی، راهنمایی
می خواهیم، برای انتخاب رشته ی تحصیلی و شغلی و یا مشکلات
ناشی از آن نیز باید از افراد متخصص این رشته، یعنی مشاوران
مدرسه ها کمک بگیریم.

۲. عده ای از مردم اعتقاد دارند، کسی که به مشاور و یا
روان شناس مراجعه می کند، لزوماً دارای اختلال روانی است.
چون در جامعه ی ما اختلال روانی بار ارزشی منفی دارد، بنابراین
عده ای از مردم از ترس این توهم، از خدمات راهنمایی و مشاوره
بی بهره می مانند. در صورتی که باید دانست بعضی از افراد،
صرفاً برای مسائل روزمره ی خود از قبیل مشاوره ی تحصیلی،
شغلی و راهنمایی، یا برای یافتن پاسخ به احساسات مبهم و

سؤال مطرح می شود که: «بیش تر مشاوران مدرسه های ما قبل از
سال ۱۳۵۸، فرهنگیان دلسوز و متعهد بودند. چرا سیستم راهنمایی
و مشاوره ی آن زمان نتوانست جواب گوی مدرسه ها باشد؟» پی بردن
به این موضوع می تواند از بروز مشکلاتی در اجرای راهنمایی و
مشاوره ی مدرسه های کنونی جلوگیری کند. عبدالله شفیق آبادی
(۱۳۷۹) در این خصوص می نویسد: «برنامه ی راهنمایی تحصیلی
در مدارس ایران قبل از سال ۱۳۵۷، به علت کمبود نیروی انسانی
ماهر و متخصص، ناآشنایی مسئولان مدارس و دانش آموزان و
اولیای آنان با هدف ها و روش کار راهنمایان تحصیلی، کمبود ابزار
و امکانات، ضعف آموزش راهنمایان تحصیلی، نبود نظام ارزشیابی
صحیح و مناسب از فعالیت های راهنمایان تحصیلی و بی توجهی
به نیازهای جامعه و اعمال روش های اجرایی نادرست، با مشکلاتی
مواجه شد و بعد از حدود هشت سال، فعالیت در سال ۱۳۵۹
تعطیل گردید.»

گرچه بررسی علت های ضعف سیستم راهنمایی و مشاوره
در دوره ی اول مشاوره در آموزش و پرورش کشور ما مفید است
و بررسی آن توسط استادان و مشاوران می تواند راه گشای فعالیت
بہتر مشاوره ی امروز شود، ولی به نظر می رسد از مهم ترین موانع
فعالیت مشاوره در سطح جامعه و مدرسه ها این است که مردم و
دانش آموزان از نوع فعالیت و خدمات راهنمایی و مشاوره آگاهی
و شناخت ندارند. به همین خاطر، لازم است مشاوران از
راه های گوناگون، خدمات راهنمایی و مشاوره را برای مردم تبیین
و جایگاه آن را مشخص سازند، تا بعضی از نگرش های غلط
افراد نسبت به خدمات مشاوره ای، اصلاح شوند. آنان می توانند
با حضور در جلسات آموزش خانواده برای توجیه اولیا، حضور
در شوراهای متفاوت مدرسه مانند شورای معلمان برای توجیه
کادر مدرسه و معلمان، حضور در مراسم آغازین مدرسه و
کلاس های درس برای توجیه دانش آموزان، و همچنین با ارائه ی



می‌کنیم. و با این استدلال متأسفانه عده‌ای از همکاران که رشته‌ی تحصیلی آن‌ها مرتبط با مشاوره نیست، صرفاً به بهانه‌ی گذراندن چند واحد درسی عمومی روان‌شناسی در دانشگاه، سمت مشاوره‌ی مدرسه را اشغال می‌کنند. مسؤولان امر نیز به خاطر مصالحی که جای ذکر آن‌ها در این جا نیست، این تصور غلط را تأیید می‌کنند. نتیجه‌ی این موضوع زمانی نمایان می‌شود که با اجرای نظرات غیرکارشناسی این افراد و یا اعمال نظر دیگر کارکنان مدرسه که در زمینه‌ی برطرف کردن مشکلات دانش‌آموزان نیز تخصصی ندارند، مشکلات تحصیلی و... دانش‌آموزان بیش‌تر می‌شود، یا این‌که معضلاتی برای خانواده‌ها به وجود می‌آید و آن‌گاه، سیستم‌های مشاوره و مشاوره‌ناکارآمد جلوه می‌کند. این در حالی است که اگر سیستم نظارت و ارزشیابی بر فعالیت‌های مشاوره‌ی و مشاوره در مدرسه‌ها به طور صحیح اجرا شود، نباید شاهد این‌گونه مشکلات در مدرسه‌ها باشیم. امروزه همه‌ی کارها تخصصی شده‌اند، بنابراین بهره‌گیری از خدمات‌های مشاوره‌ی و مشاوره نیز باید از طریق افراد متخصص این رشته انجام گیرد.

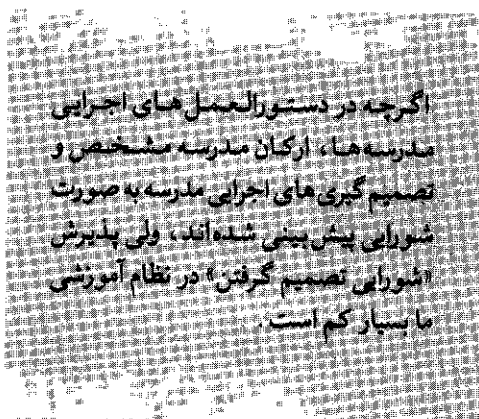
باید یادآور شد که خدمات‌های مشاوره‌ی و مشاوره در دو زمینه‌ی «راهنمایی» و «مشاوره» انجام می‌گیرد: «هدف راهنمایی این است که به رشد جسمی، انفعالی، شناختی و اجتماعی فرد کمک کند و در این فرایند، به تشخیص مشکلاتی که سر راه رشد فرد وجود دارد، پی‌برد. به او کمک کند تا سرنوشت خود را شکل بخشد و در نتیجه، فرد را عنصر مفید و سعادت‌مندی برای خود و جامعه بار آورد.» [قاضی، ۱۳۷۲].

و نیز: «مشاوره جریان یاری‌دهنده‌ای است که به ارتباط خاص بین دو نفر نیاز دارد. یکی از این دو نفر، یعنی مراجع، معمولاً با مشکل روانی، عاطفی مواجه است و دیگری، یعنی مشاور، در حل مشکل روانی مهارت دارد. از طریق ایجاد راه‌های مشاوره‌ای، مشاور به مراجع کمک می‌کند، تا راه‌حلی برای

ناخوشایند خود برای درمان مراجعه می‌کنند. بنابراین خدمات‌های مشاوره‌ی و مشاوره برای افراد سالم و افرادی که از بهره‌ی هوشی بالاتری برخوردار هستند، بیش از دیگران می‌تواند کاربرد داشته باشد.

۳. در میان عده‌ای از افراد نیز این اعتقاد وجود دارد که خودشان در تمام زمینه‌ها کارشناس هستند. بسیار دیده شده است، در خیابان پس از تصادف دو وسیله‌ی نقلیه، عده‌ای از رهگذران، نظرات کارشناسی ارائه می‌دهند و موجب دعوا و مرافعه می‌شوند. و یا در جمع دوستان، اگر فردی اظهار ناراحتی جسمی کند، عده‌ای به سرعت نظرهای طبابتی خود را ابراز می‌دارند و اجرای دستورات خود را از فردی که دچار ناراحتی است، می‌خواهند. این موضوع، در موارد دیگر مسائل زندگی نیز دیده می‌شود. در چنین شرایطی باید به این افراد گوشزد کرد، اگر می‌خواهند به رفع مشکل به وجود آمده برای دوستان کمک کنند، باید مقدمات حضور سریع کارشناس مربوط را فراهم کنند.

در مدرسه‌ها نیز، گاهی مشاهده می‌شود که در مورد مشکلات متفاوت دانش‌آموزان، افراد غیرمتخصص اظهار نظر می‌کنند و به مشاور مدرسه برای برطرف کردن مشکل، اجازه‌ی دخالت نمی‌دهند. در توجیه عمل خود نیز می‌گویند: «مگر مشاوران چه کاری در قبال این‌گونه افراد انجام می‌دهند؟ آیا جز این است که با آن‌ها صحبت می‌کنند؟ خب ما هم با این دانش‌آموز صحبت



که او عامل دست مسؤولان مدرسه برای بازجویی است و هر صحبتی به مشاور گفته شود، روزی علیه خود آنان استفاده می شود. این موضوع بر خلاف اصول اولیه مشاوره، یعنی رازداری و اعتماد است.

۵. کارایی شخصی مشاوران، از موضوعاتی است که باید به آن توجه داشت؛ از جمله: نداشتن مهارت کافی عده ای از مشاوران در زمینه ی ارائه ی خدمات راهنمایی و مشاوره، فقدان توانایی برخی از آنان در ایجاد رابطه با دانش آموزان، اولیا و یا کادر اجرایی و آموزشی در مدرسه، نداشتن آخرین اطلاعات تحصیلی، شغلی و سازشی، و یا آشنا نبود برخی از مشاوران با راه حل های واقعی، عملی و بومی، به منظور جلوگیری و برطرف کردن مشکلات دانش آموزان.

گاهی اوقات دیده می شود، مشاوران مدرسه های ما، کم تر به فرهنگ گفتاری و رفتاری مردم توجه دارند. برای دانش آموزان و اولیای آنان، بیان نظر ادلر، سویر، اریکسون و... مفید نیست، بلکه باید با استفاده از نظریه های موجود بتوان، مشکلات دانش آموزان و اولیای آنان را برطرف کرد. همچنین به نظر می رسد، بعضی از مطالبی که به عنوان توصیه های رشته ی روان شناسی ترجمه شده اند، برای مشاوره در کشور ما کارایی لازم را ندارند. بنابراین بومی کردن این رشته، به منظور خدمات رسانی راهنمایی و مشاوره به دانش آموزان و اولیای آنان، از تکالیف مشاوران مدرسه ها، به ویژه از وظایف اساسی استادان محترم این رشته در دانشگاه های داخلی و استادان محترم حوزه های علمیه ی دینی است.

مشکلش بیاید» [پاترسون ۱۹۷۳، به نقل از: شفیع آبادی، ۱۳۷۱]. به نظر پاترسون^۲ ارائه ی اطلاعات صرف، پند، اندرز دادن و تلقین افکار و عقاید به دیگران را هیچ گاه نمی توان مشاوره دانست [شفیع آبادی، ۱۳۷۱].

۴. اگرچه در دستورالعمل های اجرایی مدرسه ها، ارکان مدرسه مشخص و تصمیم گیری های اجرایی مدرسه به صورت شورایی پیش بینی شده اند، ولی پذیرش «شورایی تصمیم گرفتن» در نظام آموزشی ما بسیار کم است. گاهی اوقات تصمیمات شورا به منزله ی دخالت در تصمیم گیری مدیریت تلقی می شود و مدیریت از پذیرش آن امتناع می کند. همچنین در مدرسه های ما، کم تر به تفاوت های فردی دانش آموزان توجه می شود. همه ی دانش آموزان باید با یک برنامه ی آموزشی، انضباطی و رفتاری مدیریت شوند. دست اندرکاران این گونه مدرسه ها، می گویند، خودشان نیز این گونه تربیت شده اند. این افراد حاضر نیستند، روش های تربیتی خود را اصلاح و علمی کنند، چراکه به روش های علمی رفع مشکلات دانش آموزان اعتقادی ندارند. در این صورت، نظرات مشاوره ای مشاور در مورد دانش آموز یا دانش آموزان، در مدرسه کم تر جنبه ی اجرایی پیدا می کند و در نتیجه، همکاری و هماهنگی با مشاوران ضعیف می شود. حال بگذریم که گاهی در مدرسه از مشاور توقع دارند، کارهایی انجام دهد که در حیطه ی شغلی او نیست و یا حتی با فعالیت مشاوره سنخیت ندارد. مانند این که از مشاور بخواهند، مانند بازپرس از دانش آموز اطلاعات بگیرد و در اختیار مسؤولان مدرسه قرار دهد. این موضوع سبب می شود که در مدرسه های ما، نگاه بعضی از دانش آموزان به مشاور این باشد

در این سیر لازم است، سیستمی ناظر و پشتیبانی کننده^۴ بر فعالیت مشاوران در مدرسه نظارت کند. یعنی تعداد مشخصی از مشاوران مدرسه با مدرک تحصیلی لیسانس مرتبط، توسط فردی که مدرک فوق لیسانس این رشته را دارد، حمایت شوند. همچنین، تعداد مشخصی از مشاوران مدرسه ها که دارای مدرک فوق لیسانس مرتبط هستند، توسط فردی که دارای مدرک دکتری این رشته است، حمایت شوند. در نهایت نیز این افراد توسط استادان دانشگاه ها مورد حمایت قرار گیرند و طی ارزشیابی دقیق و مشخص، فعالیت مشاوران ارزیابی اشکالات موجود در مدرسه ها آسیب شناسی، و جواب سؤالات و نیاز مشاوران نیز داده شود.

در خاتمه باید گفت، به همان اندازه که کادر اجرایی و آموزشی مدرسه، دانش آموزان و اولیای آنان باید به فعالیت مشاوره اعتقاد دارند، مشاوران مدرسه نیز باید کارایی لازم را داشته باشند. تا دانش آموزان و اولیایشان، و همچنین کادر مدرسه بتوانند، از خدمات راهنمایی و مشاوره بیش تر استفاده کنند. به این ترتیب، مدرسه نیز سریع تر به هدف های آموزشی و پرورشی خود می رسد. ولی هنگامی که اعتقاد به کارایی سیستم راهنمایی و مشاوره در هیچ رده از دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت کشور ما وجود نداشته باشد، می توان شاهد موانع اجرایی فعالیت مشاوره در مدرسه ها بود. در این صورت، مشاوران مدرسه ها پشتوانه ی علمی و اجرایی نخواهند داشت، از کمبود امکانات و منابع، از جمله اطلاع رسانی تحصیلی و شغلی گله خواهند داشت، نظر آنان در مدرسه و حتی در فرم هدایت تحصیلی، عملاً بی اثر می شود، بیش تر درگیر کارهای اداری، دفتری و پرونده ای مدرسه خواهند شد و از آنان فعالیت های درخواست می شود که در شرح وظایفشان نیست. به این ترتیب، جایگاه مناسبی برای خدمات راهنمایی و مشاوره ای در نظام آموزشی کشور دیده نمی شود و هر

سال، با طرح موضوعات حاشیه ای از قبیل تنزل جایگاه اداری این گروه در برابر دیگر همکاران خود در رشته های دیگر، مانند افزایش میزان ساعات موظف و ... موجب دلسردی مشاوران فراهم می شوند.

زیرنویس

1. Parsons
2. Kelley
3. Patterson
4. Supervisor

منابع

۱. حسینی بیرجندی، سیدمهدی. اصول و روش های راهنمایی و مشاوره. مرکز انتظارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۳۷۱.
۲. روحی، حسین. مجموعه ی اهم آئین نامه ها و دستورالعمل های نظام جدید آموزش متوسطه. انتشارات میثاق و خانه ی ادبیات. ۱۳۷۶.
۳. شفیق آبادی، عبدالله. فنون و روش های مشاوره. نشر ترمه. ۱۳۷۱.
۴. شفیق آبادی، عبدالله. راهنمایی و مشاوره ی تحصیلی و شغلی. انتشارات سمت. ۱۳۷۹.
۵. شفیق آبادی، عبدالله؛ و ناصری. غلامرضا. نظریه های مشاوره و روان درمانی. انتشارات مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۱.
۶. صافی، احمد. سازمان و قوانین آموزش و پرورش. انتشارات سمت. ۱۳۷۳.
۷. قاضی، قاسم. زمینه ی مشاوره و راهنمایی. مؤسسه ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۷۲.